

نسل برتر

www.ketab.ir

مهندس عبدالرحیم نقاش زاده

سرشناسه : نقاش زاده، عبدالرحیم، ۱۳۳۷
 عنوان و نام پدیدآور : نسل برتر: خودشناسی، خدانشناسی، هدف گذاری و اجرا/ عبدالرحیم نقاش زاده.
 وضعیت ویراست : [ویراست اول]
 مشخصات نشر : اصفهان: شمیم معرفت، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.
 شابک : ۳۰۰۰۰ روال: 978-964-8775-16-7
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : چاپ قبلی : حدیث راه عشق، ۱۳۸۶.
 موضوع : خودسازی
 موضوع : خودشناسی
 موضوع : خدانشناسی
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۰ ۵۷ ۶۳۷ / BF
 رده بندی دیویی : ۱۵۸/۱
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۳۶۷۳۲

نسل برتر (خودشناسی، خدانشناسی، هدف گذاری و اجرا)

مؤلف: مهندس عبدالرحیم نقاش زاده

ناشر: شمیم معرفت

صفحه آرایی و طراحی جلد : عقیل زارعی

نوبت چاپ: دوم کتاب - اول ناشر

تاریخ نشر: ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۷-۱۶-۸۷۷۵-۹۶۴-۹۷۸

تعداد صفحات: ۱۱۲ صفحه- رقعی

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

نشانی الکترونیکی ناشر: M.Shamim_Marefat@yahoo.com

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۳۳۱۸۵۱۸۲

کدپستی: ۸۱۳۶۶۵۴۶۵۱

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۱۱	فصل اول: ارتباطات.....
۱۳	۱-۱ تاریخچه‌ی ارتباطات.....
۱۶	ارتباط مثبت.....
۱۸	مسئول زندگی.....
۱۹	یک نفس تا مرگ.....
۲۰	یک سؤال.....
۲۳	نیازهای انسان.....
۲۶	ظاهر و باطن.....
۲۸	۲-۱ ارتباط با خود.....
۲۸	۱-۲-۱ شناخت ضمیر ناخودآگاه.....
۲۹	۲-۲-۱ نحوه‌ی تأثیر گذاری بر ضمیر ناخودآگاه.....
۳۰	الف) برنامه‌ریزی عصبی کلامی (NLP).....
۳۳	شکل دادن به نظام باورها و عقاید.....
۳۶	طراحی مجدد ذهن.....
۳۹	ب) تأثیر عقاید بر رفتار.....
۴۱	عقاید مردمان موفق.....
۴۴	ج) توانگری.....
۵۰	د) مدیریت بر خود.....
۵۲	هـ) استفاده‌ی صحیح از حواس پنج‌گانه.....
۵۵	۳-۱ ارتباط با خداوند.....
۵۵	خداشناسی.....
۶۴	دعا و عبادت.....

۶۸خدایا دعا کردن را به من بیاموز.....

۶۹شرایط پذیرش طاعات.....

فصل دوم: هدف گذاری و اجرا ۷۱

۷۳۱-۲ فرمول موفقیت.....

۷۶۲-۲ روش تعیین و رسیدن به اهداف.....

۷۹۳-۲ روش پرسش و تعیین اهداف.....

۸۱۴-۲ اصول تنظیم اهداف.....

۸۴۵-۲ تبدیل عملی اهداف به واقعیت ها.....

۸۷۶-۲ چند تمرین کاربردی.....

فصل سوم: زندگینامه‌ی چند انسان موفق ۹۱

۹۳۱-۳ دکتر حسابی (دانشمند).....

۹۸۲-۳ بیل گیتز (طراح نرم افزار).....

۱۰۱۳-۳ هوندا (صنعتگر).....

۱۰۳۴-۳ ایرانیان موفق جهانی.....

کتابنامه ۱۱۱

پیشگفتار

در دوران کودکی این تصوّر که خدا همه جا حضور دارد، باعث می‌شد همواره فکر کنم برای دیدن خدا باید به عمق آسمان‌ها رفت و به تکه‌های کوچکی تبدیل شد و این تکه‌ها در همه‌ی هستی پخش شود تا بتوانم کاملاً پیش خدا باشم. عجیب است که این احساس هنوز به گونه‌ای دیگر در عمق وجودم است. شب‌های زیادی را به عمق آسمان‌ها نگاه می‌کنم و به تصوّرات کودکی خود لبخند می‌زنم.

و در اوج چنین خیالاتی نفس‌هایم عمیق می‌شود و قلبم به تپش می‌افتد و ناخودآگاه کسی از درونم مرا صدا می‌زند که: «حالت خوب است؟!» و به خود پاسخ می‌گویم: «راستی من می‌خواستم همین باشم؟ می‌خواستم به کجا بروم?!»

مسأله‌ی اصلی همین است: «آیا واقعاً می‌خواستم همین باشم؟» و اگر این چنین

نیست، «پس من کیستم؟» و همواره با رفتار و روش‌های مختلف در تلاش هستم که بگویم «بله من هستم».

این مسأله‌ی «بودن» از نظر افراد متفاوت است و افراد بسیاری به آن بودن‌ی که باید برایش تلاش بکنند، می‌رسند. ولی ناگهان به صورتی خسته دوباره ندایی از درون می‌گوید «تو واقعاً همین هستی؟» و این رَوَند تکرار می‌شود و در نتیجه شخص یا در مسیری که انتخاب نموده است افراطی‌تر حرکت می‌کند و یا مسیر جدیدی را انتخاب می‌کند و یا بسیار ناامید از بودن، نبودش را بهتر می‌بیند و تصمیمی بحرانی در رابطه با زنده بودن خود می‌گیرد.

معمولاً همواره این سؤال ذهن انسان را به خود مشغول می‌دارد که «من کیستم؟ و آیا واقعاً همین هستم؟» انسان بسیار کم اتفاق می‌افتد که از خودش بپرسد که واقعاً «به کجا چنین شتابان؟» مولوی برای مشخص نمودن راه به انسان‌ها دو مقوله‌ی «جسم و اندیشه» را به صورتی جدا مطرح و انسان را در جهت تکامل فکر و اندیشه راهنمایی نموده است:

ما بقی هم استخوان و ریشه‌ای

ای برادر تو همه اندیشه‌ای

آری آنچه از انسان باقی می‌ماند و جاودان و ماندگار خواهد بود، اندیشه و فکر اوست. بنابراین بنیاد همه‌ی نگرانی‌ها، ترس‌ها، خوشی‌ها و... را که انسان برای خودش به‌وجود آورده است، در فکر و اندیشه می‌داند و این همان امر مهمی است که خداوند در خلقت انسان بدان عنایت داشته و پیامبران خود را جهت اصلاح «فکر و اندیشه‌ی» انسان‌ها بر روی زمین گسیل نموده است.

انسان، برای پاسخ به این سؤال که «من کیستم؟» خواسته‌های نامحدودی را انتخاب می‌کند تا بتواند پاسخ خود را با ارضای هر چه بیشتر و بهتر به نیازهایش بدهد. اگر فکر و اندیشه‌ی آدمی برای خیر و صلاح جامعه‌ی بشری نباشد و یا کم شود، نتیجه‌ی آن همین وضعیت کنونی کره خاکی خود ماست که همواره با جنگ و جدال حاکمان مواجه است که بگویند: «من این هستم و از همه برترم!!» و در حقیقت از تمام توان فکر و اندیشه‌ی خود جهت ثابت کردن «من از همه برترم» به هر طریق استفاده نمایند، و اصل گرفتاری‌ها این است که انسان هنوز واقعاً خود را نشناخته، مدعی شناخت بسیار از خود است و می‌خواهد به همه بگوید من «این هستم و از همه برترم» و زهی خیال باطل.

بنابراین باید راه را با خودشناسی آغاز کرد، زیرا جدا کردن انسان از سؤال «من کیستم؟» غیر ممکن است. البته لازم به توضیح است برای یافتن پاسخ سؤال می‌توان اصولی را رعایت کرد تا پاسخی یافت که موجب آرامش گردد و انسان را از سردرگمی‌های بی‌بخشد. در این رابطه خداوند پیامبران را برای بشریت اعزام نموده و جواب این سؤال را با جمله‌ی «لا بذكر الله تطمئن القلوب» آورده و محتوای ذکر را (عاشقانه با خودش راز و نیاز کردن) را مشخص نموده است، تا انسان‌ها به آرامش رسیده و پاسخ «من کیستم؟» را دریابند.

این اولین گام در خودشناسی است که باعث شناخت و ارتباط عمیق‌تری در رابطه با «خدا شناسی و دیگر شناسی» می‌باشد.

در این کتاب به صورت روان و خلاصه و کاربردی، روش‌های مختلفی جهت ارتباط بهتر با خود و اصلاح فکر و اندیشه که همگی به یک هدف می‌رسند، ارائه می‌شود تا

هر کس به فراخور حال خود، روش مناسب‌تر را از دیدگاه خود برگزیند و آن را پیگیری و عمیق‌تر ادامه دهد.

در آخر از دوست گرانقدرم جناب آقای دکتر محمد باقر عطایی رئیس محترم جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان که در بررسی محتوای مطالب اینجانب را یاری نموده و همچنین از پسرم جناب آقای مهندس نوید نقاش زاده که در تهیه مطالب کتاب و همچنین ارائه روان مطالب اینجانب را کمک نمودند، کمال تشکر را می‌نمایم.

www.ketab.ir